

با اتحاد طبقاتی به استقبال روز جهانی زن برویم !

۸ مارس (روز جهانی زن) گرامی باد!

امسال هم تبعیض، ستم و استثمار کماکان حاکم است، سهم زنان کم‌تر و بی حقوق تر شده اند، ناامنی اقتصادی بیشتر عایدشان است و مورد خشونت و آزار بیشتری هستند. زنان کارگر و زحمتکش در چهارگوشه ای جهان به اشکال مختلف قربانی سیاست های سود جویانه و جنگ طلبانه سرمایه دارانی هستند که تنها به سود دهی بیشتر می اندیشند. زنان کارگر و زحمتکش نه تنها همپای مردان هم طبقه ای های خود مورد ستم و استثمار قرار میگیرند، از ستم جنسی نیز به علت تسلط سیستم ارتجاعی مرد سالارانه سرمایه داری رنج می برند. سرمایه داری که نظام اقتصادی اقلیتی از جامعه است از طریق ابزارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی نابرابری جنسی را دامن زده و به اشکال مختلف باز تولید می کند. هم از طریق بکارگیری نیروی کار زنان کارگر و کودکان کار بیشترین سود آوری را بدست می آورد و هم با این روش بیشترین شکاف و تفرقه را در میان صفوف کارگران ایجاد می کند. طراحان، کارشناسان و نماینده گان رنگارنگ سرمایه داری واقفند که، در میان چالش های موجود، طبقه کارگر متحد تنها نیرویی است که قادر خواهد بود جامعه بشری را به نفع اکثریت احاد متحول کند و تمامی نابرابری های موجود از جمله نابرابری جنسی و ستم بر زنان را ریشه کن کند.

در کشورهای صنعتی با سیستم سیاسی دموکراسی سرمایه داری، قوانین مدنی در مورد زنان و مردان ظاهراً برابر است. در واقع اما زنان از دستمزد و حقوق اقتصادی برابر با مردان برخوردار نیستند و آمار بالایی از انواع خشونت و بویژه خشونت های خانه گی در مورد آنان اعمال می شود. کاهش خدمات اجتماعی و اعمال سیاست های ریاضتی از سوی نظام سرمایه داری بیشترین فشار را خصوصاً بر زنان کارگر و زنانی که نگهداری فرزندان را برعهده دارند تحمیل شده است. تجارت انواع تن فروشی زنان را در معرض انواع آسیب های روانی و جسمانی قرار داده است.

در کشورهای پیرامونی که شرایط استثمار و برده گی بمراتب وحشتناکتر است، زنان در معرض انواع آسیب های ناشی از نظام مردسالار سرمایه داری بسر می برند. تمام قوانین قرون وسطایی و پیشاسرمایه داری را نظام حاکم بخدمت گرفته است تا از حفظ سود آوری بیشتر به قیمت استثمار کارگران و مزدبگیران و خصوصاً زنان کارگر پاسداری کند. با دیکتاتوری عریان سیاسی، نظامی و مذهبی توقعات برحق جامعه سرکوب شده و زنان را در صف مقدم قربانیان نظام بسر می برند. انواع خشونت بر زنان چه در محیط کار و چه در محیط زندگی روزانه باز تولید می شود و بیشترین فجایع غیر انسانی در مورد زنان بکار گرفته می شود. بی جهت نیست که با بروز طغیان های اجتماعی و نیز عروج جنبش های توده ای بر علیه نظام حاکم و رژیم های دیکتاتوری دست نشانده آن در کشورهای پیرامونی زنان در صف مقدم مبارزات قرار می گیرند. جنبش های توده ای کشورهای عربی حضور چشمگیر زنان را در آن نشان داد.

در ایران حاکمیت ارتجاع اسلامی، با نهادینه نمودن قوانین پوسیده ضد زن، بیشترین تبعیض جنسی و طبقاتی برآنان را اعمال نموده و از نظر اجتماعی- سیاسی آنها را درموقعیت درجه دوم قرار داده است. باز گرداندن زنان به کنج خانه و محروم ساختن آنها از اشتغال، وابسته کردن هر چه بیشتر آنها از نظر اقتصادی به مردان، خشونت و سرکوب روز افزون بر آنها، نهادینه شدن کنترل مردان بر زندگی زنان، مرد سالاری و نابرابری فزاینده ای را بر زندگی زنان حاکم نموده است. فرودستی و تبعیض و نابرابری، فقدان تامين اجتماعی و سرکوب و خشونت بر زنان که ریشه در نظام سرمایه داری دارد، شرایط دشواری را برای زنان در ایران، تحت سلطه یک حکومت ارتجاعی مذهبی و در ابعاد گسترده ای ایجاد

نموده است. اعتراض و مبارزه هر روزه زنان در ایران علیه این همه نابرابری و بربریت جمهوری اسلامی در طول بیشتر از سه دهه به اشکال مختلف در جریان بوده و خواهد بود.

رژیم سرمایه اسلامی رفع بحران اقتصادی-سیاسی و بقاءش را به سازش و زد و بند علنی با دولت آمریکا و دولتهای اروپایی برای رفع تحریمها و برسمیت شناختن آن گره زده و وارد دیپلماسی فعالی با آنها شده است.

موفقیت در این امر و انتقال سرمایه های خارجی به ایران، حرکت سرمایه داخلی را در جهت خصوصی کردن کامل اقتصاد، امکان جذب نیروی کار ارزان و منعطف زنان را به بازار کار در سطحی وسیع فراهم خواهد کرد. اشتغال کاری برای زنان در چنین شرایطی و بر متن برنامه های نئولیبرالی، همانگونه که در سایر کشورهای "جهان سوم" نشان داده شده است، با بیحقوقی و تبعیض بیشتری برای زنان همراه خواهد بود و سبب گسترش مشاغل قراردادی، مقاطعه ای، موقت، پاره وقت، کار در کارخانه، در حاشیه اقتصاد رسمی و بدون پوششهای اجتماعی خواهد شد. زنان به عنوان نیروی کار ارزان برای سرمایه های خارجی بیشترین سود آوری را خواهند داشت. جمهوری اسلامی قبل از این توافقات این بیحقوقیها و تبعیضات را در مورد زنان کارگر به انجام رسانده اند، به عنوان نمونه، با تغییراتی که در قانون کار ارتجاعی جمهوری اسلامی صورت گرفته، بخش بزرگی از کارگران شاغل در کارگاههای کوچک را، که زنان بخش بزرگی از آنان را تشکیل می دهند، از شمول همین قانون کار ناقص هم نیز خارج کرده است.

رفع ستم جنسی و تبعیض بر زنان در چهارگوشه جهان، چه آنجا که قوانین دموکراسی سرمایه حاکم است و چه در کشورهایی که دیکتاتوری های عریان نظامی، مذهبی حافظ قوانین سرمایه هستند بجزاز مسیر مبارزه علیه سیاست های سرمایه داری و متحد شدن هر چه بیشتر طبقه کارگر مقدور نخواهد گردید. مسئله زن در جهان، خاورمیانه و در کشورهایمانند ایران، در همه ابعاد آن، در روند حل نهائی خود، با مبارزه بر علیه سرمایه داری گره خورده است. بطور کلی مبارزات زنان برای رفع ستم جنسیتی، ماهیتی کاملاً ضد سرمایه داری دارد و در پیوندی گسست ناپذیر با مبارزات کارگران و زحمتکشان است و بدون لغو مالکیت خصوصی، ماهیت زن به عنوان یک کالا نیز از بین نخواهد رفت.

نقش جنبش زنان بعنوان جنبشی بسیار مهم در اعتراضات ضد سرمایه داری و ضد سیاست های نئولیبرالیستی، بیش از پیش به این ضرورت مهر تایید می زند که مبارزه برای رفع ستم جنسیتی در پیوندی ناگسستنی با مبارزه برای رفع ستم طبقاتی قرار دارد و حضور زنان در صحنه مبارزه طبقاتی به تعمیق مبارزات زنان می انجامد. تجربه ثابت کرده است که میزان موفقیت و رشد جنبشهای اجتماعی به میزان شرکت زنان در آن جنبش رابطه مستقیم داشته و پیروزیهای حاصل بدون شرکت زنان امکان پذیر نخواهد بود. امروز مسئله رهایی زنان بنا به ضرورت طبقاتی این وظیفه را جلوی پای فعالین سوسیالیستی جنبش کارگری و جنبش زنان می گذارد که یکی از راههای مهم خاتمه دادن به پراکندگی زنان و بویژه زنان کارگر در امر مبارزاتیشان و نزدیک شدنشان بدرجه ای به استراتژی موجودشان درگرو ایجاد تشکلهاییشان است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

مارس ۲۰۱۴ اسفند ۱۳۹۲

nhkommitehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>